



نسل بعدی

دانش آموزان آلفا؟

دکتر فریدالدین حداد عادل



آنچه در شمارهٔ مهرماه سال ۱۴۰۴ مجلهٔ رشد مدرسهٔ فردا می‌خوانیم، گفت‌وگوهای عملیاتی و میدانی دوبارهٔ «نسل آلفا» است. نسل آلفا اصطلاح علمی غیرمتمنی است و به کسانی اطلاق می‌شود که در ۱۰ سال اخیر وارد چرخهٔ تعلیم و تربیت شده‌اند. البته عدد ۱۰ نیز کاملاً دقیق نیست. به‌طور عمومی، این گروه از دانش‌آموزان از جنبه‌های گوناگون خصوصیات متفاوتی دارند و آیندهٔ آموزش و پرورش به آن‌ها می‌پردازد. باز نیاز به توضیح است که مفهوم «نسل» عبارتی جامعه‌شناختی و متغیر نیست.

۱. بخش قابل‌توجه این عده از دانش‌آموزان دوران کرونا را تجربه کرده‌اند و اتفاق آموزش برای آن‌ها بدون حضور در مدرسه رخ داده است. اهمیت دورهٔ کرونا در این است که در ایام آن بیماری فراگیر، دانش‌آموزان «مجبور» شدند بدون حضور در مدرسه درس بخوانند.

۲. در اختیار دانش‌آموزان بودن رایانک دست‌کم چند پدیدهٔ علمی و تربیتی جدید به همراه دارد:

الف) دیگر عبارت «هر چی معلمت می‌گه» فصل‌الخطاب نیست. در بسیاری مواقع عبارت «سرچ کن»، آخرین جواب بزرگ‌ترهاست. امروزه به‌طور قطع معلم دیگر دانای کل نیست و کودکان و نوجوانان جواب خیلی از سؤال‌ها را از مرجع فکری دیگری جز معلم مدرسه دریافت می‌کنند.

ب) اگر دانش‌آموزی بخواهد زودتر از برنامه‌های متداول آموزشی در عرصه‌ای بیاموزد، نه تنها مانعی بر سر راه او وجود ندارد، بلکه اینترنت می‌تواند مسیری طولانی را در سیر آموزش او راهبری کند. یعنی این دانش‌آموزان احتمالاً خواهند توانست مسائل زیادی را به‌خوبی و شاید بسیار فراتر از سطح سواد موردنظر برای نوجوانان معمولی، بیاموزند.

ج) تفکیک‌های جنسیتی، تقدم و تأخر آشنایی با امور جنسی و نوع واکنش‌های جنسی و اقدام جنسی در این نسل به کلی جابه‌جا شده است. چون از طریق اینترنت، خواسته یا ناخواسته و خیلی زودتر و جدی‌تر با ابعاد مسائل اجتماعی از جمله امور جنسی آشنا شده‌اند.

۳. یکی از موضوع‌های جدی دانش‌آموزان این دوره، تنهایی آن‌ها و نیازهای ناشی از تنهابودنشان است. این گروه در خانه‌های شلوغ زندگی نکرده‌اند، به دلیل بهبود سطح تمکن مالی خانواده، کمتر در کوچه و بوستان بوده‌اند و کمتر از سر نیاز مالی به تعامل اجتماعی روی آورده یا مجبور شده‌اند. حضور بخشی از این نسل در مدرسه کمتر رنگ بوده است و مدرسه و اصحاب آن پناهگاه و مرشدان این عده نیستند. در نتیجه، چرخیدن و بازی کردن در مدرسه جای خود را به انواع کنش‌های فردی و گروهی فضای مجازی داده و همین نیز موجب شده است که دایرهٔ اجتماعی و تربیت اجتماعی و حتی انواع مشاوره در حوزهٔ مسائل روانی فردی و جمعی سبک و شکل متفاوتی به خود بگیرد.

۴. اگر مسئلهٔ دانش‌آموزان تا پیش از این «یادگیری» و روش‌ها و اسلوب‌های آن بود، امروز، به‌طور قطع، دیگر آموزش و یادگیری مسئلهٔ اصلی نیست. این کودکان جواب اکثر سؤال‌ها و نیازهای خود را از اینترنت دریافت می‌کنند. اما دانش‌آموز امروز بیشتر محتاج فراگیری فرمول‌های حل مسئله، انواع قابلیت‌های مدیریت خود و روش‌های موفق زیست اجتماعی است. آن‌ها خیلی چیزهای علمی را یاد گرفته‌اند، اما در روش‌های به‌کارگیری اجتماعی ضعیف هستند و نمی‌دانند از این انبوه دانش در اختیار چگونه می‌توان به‌طریق بهینه استفاده کرد.

تذکر: هوش مصنوعی و اقتضائات آن می‌تواند توانمندی علمی و نوع نیازهای این گروه را به‌طوری جهشی متفاوت کند. قابلیت‌های آدم‌های دههٔ آینده، یعنی کودکان دبستانی امروز، حتماً خیلی متفاوت خواهد بود، چون هوش مصنوعی علاوه بر ارائهٔ سریع و زیاد داده‌های لازم، در ارائهٔ روش کاربست داده‌های علمی و مدل به‌کارگیری معلومات هم کمک می‌کند.

امروزه دانسته‌های آموزشکاران دربارهٔ شرایط پیش روی تعلیم و تربیت چندان کافی و جامع نیست، اما همه در یک باره اتفاق‌نظر دارند و آن اینکه اوضاع تغییر کرده و سرعت تغییر نیز خیلی بالاست. شاید ندانیم دقیقاً چه خواهد شد، اما می‌دانیم حتماً آیندهٔ مدرسه و آموزش این‌گونه نخواهد ماند!